



هدف از لعن و نفرین بر قاتلان و دشمنان امام حسین چیست؟

باید به تفاوت دو مفهوم سبّ و لعن اشاره کنیم و آن گاه منافات نداشتن لعن با روح تعالیم اسلامی را روشن نماییم.

باید به تفاوت دو مفهوم سبّ و لعن اشاره کنیم و آن گاه منافات نداشتن لعن با روح تعالیم اسلامی را روشن نماییم. سبّ به معنای دشنام دادن است و در قرآن از آن نهی شده است. در آیه 108 سوره انعام آمده است: «ولا تسبوا الذين يدعون من دون الله فيسبوا الله عدواً بغير علم؛ کسانی که غیر خدا را می پرستند دشنام ندهید که از سر دشمنی و نادانی خداوند را دشنام دهند».

این آیه یکی از ادب های دینی را خاطر نشان می کند که با رعایت آن، احترام مقدسات جامعه دینی، محفوظ مانده، دستخوش اهانت و ناسزا و مسخره نمی شود، چون طبیعی است هر فرد از مقدّسات خود دفاع کند، بنابراین اگر مسلمانان به منظور دفاع از پروردگار، بت های مشرکان را دشنام دهند، تعصب جاهلیت، مشرکان را وادار می سازد به حریم مقدّس خداوند اهانت کنند، از این رو دستور می دهد به خدایان مشرکان ناسزا نگوید.

لعن به معنای لعنت و نفرین کردن است. لعن خداوند یعنی دور ساختن از رحمت و عفو و مغفرت خویش اما توسط ملائکه و دیگر لعن کنندگان، طلب دوری از رحمت خدا برای لعنت شوندگان است. (1) لعن در قرآن از طرف خدا، ملائکه و دیگر لعن کنندگان به کافران و منکران و ظالمان و دروغ گویان آمده است: «ان الله لعن الکافرين و اعدّ لهم سعيراً؛ خداوند کافران را لعن می کند و عذاب را برای آنان آماده کرده است». (2) لعن نوعی اعلام انزجار و بی ارزشی لعن شونده است.

درست است که قاتلان امام حسین از دنیا رفته اند، ولی کار آنها مورد تنفر ما است و ما با لعن آنان، از عمل زشتشان اعلام تنفر می کنیم. حزب شیطان سابقه دار است و قاتلان امام حسین (ع) یک گروه از این زنجیره اند. هر کس به کار آنها راضی باشد، حلقة دیگر حزب شیطان می باشد، همان گونه که حزب الله یک سلسله است. با لعن قاتلان سیدالشهدا و گریه برای امام، عضویت خود در حزب الله و نفرت خود را از حزب شیطان اعلام می کنیم. عشق به خدا و بندگان صالح او و نفرت از شیطان و دوستان او، پایه و اساس دین است.

در حدیث قدسی آمده است: خداوند به موسی (ع) فرمود: آیا هرگز کاری برای من انجام داده ای؟ موسی عرض کرد: برای نماز گزاردم، روزه گرفتم، صدقه دادم و تو را یاد کردم؛ خداوند فرمود: نماز برهان و حجّت برای توست؛ روزه سپر تو در برابر آتش جهنم است؛ صدقه، سایه سرت] در روز قیامت] و یاد من، نوری برای تو است اما چه کاری برای من کرده ای؟ موسی (ع) عرض کرد: مرا به کاری که برای توست راهنمایی فرما. خداوند فرمود: آیا هرگز برای خاطر من با کسی دوستی یا دشمنی کرده ای؟ موسی دانست که برترین اعمال، دوستی و دشمنی به خاطر خداست. (3) در روایتی آمده است که ایمان، دوستی اولیای خدا و دشمنی با دشمنان خدا است. (4)

در زمینه حب و بغض به خاطر خدا، به نقل از شیعه و سنی نبی اکرم میفرماید: «حب و بغض به خاطر خداوند، واجب است»، (5) بنابراین، یکی دیگر از فلسفه های زیارت عاشورا را تحکیم حب و بغض به خاطر خدا میتوان برشمرد.

بر همین اساس، تولی و تبری از فروع اسلام است و در فرهنگ اسلامی و خصوصاً شیعه جایگاه خاصی دارد. تولی به معنای دوست داشتن دوستان خدا و تبری به معنای بیزاری جستن و تنفر از دشمنان خداست. تولی و تبری، محدوده و اساس گرایش ها، موافقت ها و مخالفت های مسلمان را در ارتباطات انسانی مشخص می کند. خداوند در ما محبت را آفریده است تا نسبت به کسانی که به ما خدمت میکنند، یا کمالی دارند، - خواه کمال جسمانی، یا کمال عقلانی یا روانی و یا عاطفی - به ابراز علاقه و محبت بپردازیم.

هنگامی که انسان احساس کند کمالی و یا صاحب کمالی یافت میشود، نسبت به آن کمال و صاحب کمال محبت پیدا میکند. علاوه بر آن در وجود انسان نقطه مقابل محبت به نام «بُغض و دشمنی» قرار داده شده است. همان گونه که فطرت انسان بر این است کسی را که به او خدمت میکند دوست بدارد؛ فطرتش نیز بر این است کسی را که به او ضرر میزند، دشمن بدارد. البته ضررهای مادی دنیوی برای مؤمن اهمیتی ندارد. چون اصل دنیا برای او ارزشی ندارد. اما دشمنی که دین و سعادت ابدی را از انسان بگیرد، آیا قابل چشمپوشی است؟ قرآن میفرماید: «ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدوا؛ شیطان دشمن شما است، شما هم باید با او دشمنی کنید». (6)

با شیطان نمیشود کنار آمد، وگرنه روح شیطانی در آدمی نفوذ می یابد. اگر باید با اولیای خدا دوستی کرد، با دشمنان خدا هم باید دشمنی کرد. این فطرت انسانی است و عامل تکامل و سعادت آدمی است. اگر «دشمنی» با دشمنان خدا نباشد، به تدریج رفتار انسان با آنها دوستانه میشود و در اثر معاشرت، رفتار آنها را میپذیرد و حرف های آنان را قبول میکند و کم کم شیطان دیگری مثل آنها میشود.

دشمنی با دشمنان، سیستمی دفاعی در مقابل ضررها و خطرها ایجاد میکند. بدن انسان همان گونه که عامل جاذبه ای دارد که مواد مفید را جذب میکند، سیستم دفاعی نیز دارد که سموم و میکرب ها را دفع میکند. این سیستم با میکرب مبارزه میکند و آنها

را میکشد. کار گلبول‌های سفید همین است. اگر سیستم دفاعی بدن ضعیف شد، میکرب‌ها رشد میکنند. رشد میکرب‌ها به بیماری منجر میشود و بیمار ممکن است با مرگ رو به رو شود.

اگر بگوییم ورود میکرب به بدن ایرادی ندارد، آیا در این صورت بدن سالم می‌ماند؟

باید میکرب را از بین برد. این سنت الهی است. این تدبیر و حکمت الهی است که برای هر موجود زنده‌ای، دو سیستم در نظر گرفته است: یک سیستم برای جذب و دیگری سیستم دفع. همان طور که جذب مواد مورد نیاز، برای رشد هر موجود زنده ای لازم است، دفع سموم و مواد زیانبار از بدن هم لازم است. اگر انسان سموم را دفع نکند، نمیتواند به حیات خود ادامه دهد.

موجودات زنده قوه دافعه دارند. قوه دافعه به خصوص در حیوانات و انسان همین نقش را ایفا میکند. در روح انسان باید چنین استعدادی وجود داشته باشد. باید عامل جاذبه روانی داشته باشیم تا از کسانی که برای ما مفید هستند، خوشمان بیاید، دوستشان بداریم و به آنها نزدیک شویم، تا از آنان علم، کمال، ادب، معرفت و اخلاق فرا بگیریم.

چرا انسان افراد و امور پسندیده را دوست دارد؟ برای اینکه وقتی به آنان نزدیک میشود، از آنها استفاده میکند. نسبت به خوبانی که منشأ کمال هستند و در پیشرفت جامعه مؤثرند باید ابراز دوستی کرد اما در مقابل، باید با کسانی که برای سرنوشت جامعه زیانبار هستند دشمنی کرد.

قرآن میفرماید باید به حضرت ابراهیم(ع) و یاران او تأسی کنید. حضرت ابراهیم(ع) در فرهنگ اسلامی جایگاه بسیار رفیعی دارد. پیغمبر اکرم(ص) هم میفرمود من تابع ابراهیم هستم.

ابراهیم(ع) و یارانش به بت‌پرستانی که با آنها دشمنی کردند و ایشان را از شهر و دیار خود بیرون راندند، گفتند: «اتا برئاء منکم؛ ما از شما بیزاریم.» بعد میفرماید: بین ما و شما تا روز قیامت دشمنی و کینه برقرار است؛ مگر اینکه دست از خیانتکاری بردارید.

لعن و نفرین و دشمنی با کافران و بدکاران و ظالمان، اعلام تنفر از کفر، بدی و ظلم است. مؤمن همان گونه که عشق به خوبی، نیکی و عدالت و پاکی دارد، از زشتی، بدی و ستمگری بیزار است. نمی‌تواند قلبی پاک باشد، اما از ستم، زشتی، پلیدی و خیانت بیزار نباشد. لعن بر کافران و ظالمان اعلام همین حقیقت است.

تنها دوستی دوستان خدا کافی نیست؛ اگر دشمنی با دشمنان خدا نباشد، دوستی دوستان هم از بین خواهد رفت. اگر سیستم دفاعی بدن نباشد، سیستم جذب هم، نابود خواهد شد. مهم این است که جای جذب و دفع را درست بشناسیم.

نمیتوانیم از برکات حسینی استفاده کنیم مگر اینکه اول دشمنان او را لعن کنیم، بعد بر او سلام بفرستیم. قرآن میفرماید: «أَشْدَاءُ عَلَى الْكَافِرِ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ» (7)

پس در کنار سلام، باید لعن باشد. در کنار ولایت، تبری و اظهار دشمنی نسبت به مخالفان اسلام نیز باید باشد.

برپایی مجالس عزاداری و لعن و نفرین‌ها، باید با معنا و جهت دار باشد، به طوری که نفرت از یزیدهای زمانه را به دنبال داشته باشد، نیز روحیه یاران با وفای امام به نمایش در آید و شعارها بر پایه شعور باشد.

پی نوشت ها:

1. المیزان، ج 1، ص 390.
2. احزاب (33) آیه 64.
3. میزان الحکمه، ج 2، ص 966.
4. همان، ص 944.
5. کنز العمال، ج 24688.
6. فاطر (35)، آیه 6.
7. فتح (48)، آیه 29.